

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۳۰ اگست ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۳۳

مُقَطَّعات

۳۴

منسوب به "شهاب ترشیزی"

در صفحه ۲۷۹ دیوان حاضر، چیزی به نام "شعر" دیده می شود، که مأخوذ از دیوانهای سابق است و از طرف کدام کاتب ظالم و عاقبت نیندیش، درج آنها گشته و به "شهاب" نسبت داده شده است. می خواستم این شعر مبتذل را اصلاً در قطار اشعار شهوار شهاب نیاورم، بلکه آن را یکسره نادیده بگیرم. این کار را ولی از دو سبب نکردم:

۱- یکی پاسداری امانت و امانتداری در کار

۲- و دگر مهیا ساختن زمینه قضاوت خود خوانندگان عزیز.

سخن شناسان به رؤیت این پارچه به صراحت درخواهند یافت، که این به اصطلاح "شعر"، از شاعر پرسیلابتی چون "شهاب" نه تنها بوده نمی تواند، که اصلاً نباید در زمره "شعر" شمرده

شود. از همین سبب هم حیف دانستم، که وقت گرانبها را صرف تنظیم و تسطیح آن بکنم!!!

از مهمتم عزیز دیوان، جناب "همایون باختریانی" جداً تمنا دارم، که این پارچه را در چاپهای بعدی کاملاً حذف نمایند!!! (خ. معروفی)

حاجی رضا

سپهر مکرمت حاجی رضا ای آسمان قدر
که در جنب علو تو فلک را اعتلا نبود
کف جود تو گهر بار است در بخشش
که چون ابر بهارش هیچ جا روی و ریا نبود
ندیدم چون تو فرخ میزبانی بزم بخشش را
که از دست جوادت جود یکساعت جدانلود
بمی مُد^۱ چو رسیدم با خرد گفتم مرا منزل
مقام خوبتر از خانه حاجی رضا نبود
عزیزا باوجود آشنائیا تو خود دانی
که در^۲ کار و بار شاعران چون و چرا نبود
دو اسپ من در اصطبل تو مهمانند یکماهه
بلی یکماه یکماهست آخر سالها نبود
بشرط آنکه تیمار و علیق و خدمت ایشان
بدست مهتری باشد که خالی از وفا نبود
اگر لاغر بماند اسپ فربه بایدت دادن
اگر واپس فرستی از پس آن جز هجا نبود
ترا در دولت و عمران مقام و آن بقا بادا
که اجرام فلک را آن مقام و آن بقا نبود*^۳

^۱ الف. بکن بد

^۲ الف. که اندر کار و بار

^۳* در قسمت هجویات حاجی رضا موصوف را هجو گفته:

زن حاجی رضای بفرودی

ز آمد و رفت کاروان ذکر

که ز ترف رود آب گشته...

چون رباط خراب گشته...

در خرابی زیر خرگوشان

مسکن و جای خواب گشته...